



هویت ایرانی هرگز جدا از هویت اسلامی نبوده است/ وطن گرایی از ظاهر تا باطن

هرگز هویت ایرانی جدا از هویت اسلامی نبوده، پس آنها که این سخن را به منظور برجسته کردن ایران در برابر اسلام بر زبان می رانند باید بدانند

هویت ایرانی هرگز جدا از هویت اسلامی نبوده است/ وطن گرایی از ظاهر تا باطن
خبرگزاری مهر - هرگز هویت ایرانی جدا از هویت اسلامی نبوده، پس آنها که این سخن را به منظور برجسته کردن ایران در برابر اسلام بر زبان می رانند باید بدانند که ایران بدون اسلام جز یک ملیت سردرگم از لحاظ فکری و اعتقادی نیست. وطن، مفهوم ارزشمندی است که همه انسانها به آن تعلق خاطر دارند: وطن، خاک، میهن، سرزمین آباء و اجدادی ازجمله کلماتی است که بار معنایی و ارزشی برای اکثر افراد دارد. اما این مفهوم تا چه حد ارزش دارد و آیا مقدس هم هست یا نه؟ و آیا در هر شرایطی بایست به آن توجه و ارادت ورزید و یا حد و حدودی دارد.

مراجعه به قرآن نشان می دهد که سرزمینها فی نفسه مقدس نیستند، بلکه به تبع انسانها و حوادث و جریاناتی که در آنها واقع می شوند ارزش پیدا می کنند. ارض المقدسه، مسجدالحرام، بیت الحرام و امثال آن به خاطر عبادت مردم برای خدا ارزش و حرمت و تقدس یافته اند، البته وقتی یک سرزمین به هر دلیل ارزش و احترام پیدا کرد این ارزش دائمی است، مگر آنکه صاحبان و مردم آن سرزمین رویه دیگر اتخاذ کنند. بیت المقدس منزلگاه وحی بوده و یا قبله، مکه هم تقدسش دائمی است چون خدا خواسته از این وطنها برای هدایت بیشتر انسانها، نماد و سمبل هدایت بسازد و مردم آنجا هم همگی یا بسیاری از آنها اهل هدایت و عبادت بوده اند.

اینکه وطن گرایی تا چه حد باشد پاسخ این است که با ملاکهای فوق، حب وطن یعنی حب ایمان و آرمان کسانی که در طول تاریخ در این سرزمین زیسته اند. حب ایران یعنی حب و دوستی همه افراد و ارزشهایی که در طول قرنهای در این سرزمین ظهور یافته و تداوم یافته اند یعنی حب ارزشهای ایرانی و دین و آئین و سعادت انسانی در سایه آنها. پس می توان گفت وطن گرایی و وطن دوستی داریم، آن هم به خاطر ارزشهای مهمتر و عمیق تری مثل اخلاق و آئین خوب مردم و از اینجاست که «حب الوطن من الایمان» گفته شده است، ولی وطن پرستی هرگز نداریم. به این معنا که وطن را به جای دین و آئین و ارزشها بنشانیم و از آن بتی بسازیم که به عنوان تنها یک نماد مادیت و دنیاگرایی به آن تکیه و افتخار کنیم.

اینکه برخی از وطن و ایران و مکتب ایران دم می زنند نوعی وطن پرستی و قرار دادن وطن همعرض و همردیف دین و معنویت است و این خطا به شمار می رود، البته تمدن و هویت ایرانی همواره تحت تأثیر اسلام و مسلمانی این مردم بوده که آزادانه و آگاهانه این دین را پذیرفته و تا پای جان از آن دفاع کرده و در راه شکوفایی آن کوشیده اند و البته هرگز هویت ایرانی جدا از هویت اسلامی نبوده، پس آنها که این سخن را به منظور برجسته کردن ایران در برابر اسلام بر زبان می رانند باید بدانند که ایران بدون اسلام جز یک ملیت سردرگم از لحاظ فکری و اعتقادی نیست هرچند از حیث اقتصادی و سیاسی در قیاس با ملت‌های دیگر دوران قدیم برتر و بالاتر بوده باشد. به گواهی تاریخ و مورخان، اغلب شکوفایی‌ها و پیشرفته‌ها و خوش نامی‌های ایران و ایرانی پس از طلوع خورشید اسلام بوده است.

اتفاقاً در عرصه واقعیت که قدم می گذاریم مهمترین عامل و انگیزه ای که وطن ما را حفظ کرده ایمان و دین مردم بود، نه وطن پرستی محض مدافعان ایران در همه دوره های تاریخی. عمدتاً دینداران بوده اند که در سایه تعلیم دین معتقد به شهادت بوده و از جان و مال خود برای دفاع از کین و وطنشان مایه گذاشته اند و الا مدعیان ملی گرایی وطن پرستی هرگز حاضر به جانفشانی در راه وطن نبوده اند و این تنها یک شعار وعامل جذب افکار عمومی بوده است، حتی مدافعان وطن از میان غیر مسلمانان هم افرادی متدین به دیانت مسیحی، ارمنی یا کلیمی بوده و با این انگیزه جان خود در راه حفظ وطن باخته اند.

بنابراین وطن گرایی محض هم در گذشته و هم الان قادر به خلق گفتمانی مؤثر و ریشه دار در اقشار جامعه نیست مخصوصاً که مشکلات فعلی جامعه ما خود مزید بر علت است که قشر جوان و نواندیش از وطن خویش گریزان شود و به کشورها و جامعه های دیگر دل نبندد یا پناه آورد، چنانکه ما در فرار مغزها مقام اول را در جهان داریم. دلاری که صرف سفر به خارج می کنیم از میزان دلاری که توریهست‌ها به ایران می آورند به مراتب بیشتر است و بسیاری واقعیات اسف انگیز دیگر.

اما مدعیان ایرانیت و مکتب ایرانی به جای حفظ ارزشهای تمدنی و فرهنگی اصیل ایران که ترکیبی از عناصر اسلامی و ایرانی است و صداقت و ایمان و پاکدامنی و پاک دستی و پرهیز از حق الناس و بیت المال جزء لاینفک آن به شمار می رود، به راحتی سعی در

تخریب این ارزشها دارند و هم از سوی دیگر تفکر نجات و اصلاح جهان، با ظهور امام زمان(عج) را به تردید و بازی می گیرند و هم از عناصری چون کوروش و کتبیّه و برخی عناصر فرهنگ باستانی ایران برای فریب اقشاری از مردم بهره می برند؛ در حالی که مگر می شود در آن واحد، ارزش پول ملی و جایگاه ایران و ایرانی در سطح جهانی را به پایین ترین سطح تنزل داد و از طرف دیگر از ایرانیّت دم زد؟!

برخی در عمل باعث وهن ایران اند ولی مرتبا دم از ایران مستقل از اسلام می زنند و به جای آنکه اسلام را دین اسلام و جهان بدانند می گویند ما نباید و یا نمی توانیم اسلام را در جهان تعمیم و توسعه دهیم و همه ادیان مورد قبول و پذیرش اند. این جز یک التقاط بی مبنا و تفکری انحرافی نیست. مگر می شود یک ایرانی مؤمن وطن دوست به خود اجازه دهد که ثروتهای این ملت را بر باد دهد و راه را برای اختلاسها و دزدیهای متعدد و وسیع باز گذارد و دم از عدالت و معنویت و ظهور حجت و مدیریت جهانی بزند.

اینجاست که باید گفت اگر دین ندارید لااقل آزاده باشید و دست کم حرمت ملیت و کشور و وطن خود را پاس دارید و در برابر طوفان رقابتهای و توطئه هایی که ملتهای ضعیف و گرفتار سوء مدیریت را به حاشیه می راند و دچار ضعف و ذلت می نماید حفظ کنید و بیش از این با تفکرات واهی موجب وهن ایران و ایرانی و فرهنگ اصیل او نشوید.*

*دکتر مصطفی عباسی مقدم، عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان